

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.

خب یک فاصله زمانی افتاد باز الحمد لله که در خدمت آقایون قرار گرفتم عرض کنم خدمت تان که راجع به این بحث اخیری را که پرونده اخیر را به قول آقایون باز کردیم شواهد اثبات متن، صحبت های شد حالا یک توضیح مختصری، حالا نمی دانم مختصر صدق بکند یا نه؟ یک توضیحی مختصر یک راهی را که عرض کردیم یکش این بود که راه عرض احادیث بر ائمه متأخرین که مثال همان علینا القاء الاصول و علیکم التفریع را مثال زدیم عرض کردیم در آن بحث که راه هایی که متعارف است در عرض حدیث این است که مثلاً قلت لابی الحسن الرضا روی عن آبائک کذا مثلاً و این توقیعاتی که مرحوم حمیری دارد این نسبتاً زیاد است روی عن آبائک کذا و روی عنهم کذا خب این عرض واضحی است، یک احتمال دیگر هم دادیم که بعض وقت ها احادیثی داریم که یک راوی با واسطه از امام صادق نقل می کند بعد خودش همان مضمون را از امام رضا علیه السلام، عرض کردیم ما عده ای از روایات مرحوم بزنطی را این جوری دیدیم مثلاً یک مطلبی را با واسطه از امام صادق نقل می کند بعد خودش همان مطلب را سؤالاً جواباً از حضرت رضا احتمال دادیم این هم عرض باشد نکته عرض عرضت علی ابی الحسن الرضا، لیکن چون همان متن و همان سؤال و همان جواب و همان کیفیت را ایشان از حضرت صادق با واسطه نقل می کند و آن مثالی را که عرض کردیم حدیث علینا القاء الاصول و علیکم التفریع از این قبیل است یعنی در همین کتابی که به نام جامع بزنطی در مستطرفات سرائر آمده که عرض کردیم ثابت نیست این کتاب، در آن جا دارد که بزنطی نقل می کند از ابان، به نظرم که بود؟ عن الصادق علیه السلام علینا ان نلقى الاصول همچون تعبیری بعد هم خود ایشان از حضرت رضا همین معنی را علیکم ان تفرعوا همین عبارت مشهور که عرض کردیم در عده ای از مصادر متأخر ما فعلاً آنچه که حاضر هم دارم نمی خواهم اسم ببرم، در آن جا آمده به عنوان صحیح، صحیح بزنطی و خب عده ای هم آمدند روی این مثلاً برنامه هایی ریختند علینا القاء الاصول و علیکم التفریع، عرض کردم این سند ندارد نه مال حضرت صادق سند دارد نه مال حضرت رضایش و طریقتش الآن منحصر به این کتابی مستطرفات سرائر است جای دیگر هم کلاً نیامده و مستطرفات سرائر هم از کتاب جامع بزنطی نقل کرده که شواهد نشان نمی دهد این جامع مال بزنطی باشد اصلاً این کتاب کتاب بزنطی باشد شاید اشتباه کرده ابن ادریس رحمه الله علی ای حال، این نکته را هم عرض کردیم، سومین مطلبی را که یعنی قسمت دیگری که تازگی به فکر آمد که بعید نیست این هم از سنخ عرض باشد چون عرض نشده و عین الفاظ نیست گاهی می شود یک روایتی را از ائمه متقدم داریم از ائمه متأخر سلام الله علیهم اجمعین حکمش آمده اما عین الفاظش نیست آیا این ها را هم می توانیم روایات عرض حساب بکنیم یا نه؟ این نکته ای که به اصطلاح محل تأمل است از این جهت، حکم را گفتند اما این که ناظر به متن آن حدیث باشد نیست یعنی در کلام نیست آیا به مجرد این که این حکم آمده ناظر به متن هم هست یا نه؟ عرض کردیم این به یک مناسبتی این روایتی بود که به مناسبت هلال، فان شهد اهل بلد آخر که از امام صادق آمده خب این را اصحاب آوردند و اصحاب هم گفتند که متعارف این است که این مراد شهرهای قریب الافق هستند در جاهایی که ملازمه باشد که اگر در جایی دیده شد در شهر دیگر هم دیده بشود ملازمه بین رؤیت باشد، که حالا در آن شهر دیگر مانع پیدا بوده رؤیت نشد، رؤیت در این شهر و عرض کردیم مثل آقای خویی رحمه الله این روایت را حمل کردند به

.....
اطلاقش، شهر اهل بلد آخر مطلقاً، حالا هر بلدی می خواهد باشد نزدیک باشد دور باشد فاصله داشته باشد، به اطلاق بلد آخر اخذ کردند گفتند، البته اگر ما باشیم و این اطلاقی که این آقایون تصور می کنند این شامل حتی بلادی می شود که الآن روز باشد دیگر خود آقای خویی ملتزم به این اطلاق نشدند، ملتزم شدند به این که بلادی که در حین رؤیت در آن جاها هم شب باشد در خصوص این بلاد نه مطلقاً، لیکن اگر کسی بخواید تمسک به اطلاق بکند بخواید آن حرف عجیب و غریب زند این یکش را هم می تواند بزند مشکل ندارد نهایتش این که مثلاً می گوید آقا وقتی در این مکان رؤیت شد در شهر دیگر ساعت دوی بعد از ظهر است مثلاً در همین زمان خب اشکال ندارد بگوید آن زمان هم اول ماه شوال حساب می شود لیکن نماز را فردا می خوانند و بقیه روز را هم روزه نگیرد بحثی ندارد، قبل از ظهر هم شد امکان بود نماز عید بخوانند و عید حسابش بکنند حتی نزدیک مغرب هم که شد می شود آن روز روز اول حساب بکنند، اگر کسی بخواید به اطلاق تمسک نه البته از بعضی از آقایون که به این معنی، البته این لازمه ای که دنبالش است نشنیدم آمد گفته نه این اطلاق دارد حتی روز هم باشد اشکال ندارد لیکن این اشکال را می شود جواب داد یعنی اشکال ندارد راست می گوید می شود قبول کرد فقط نماز روز اول ماه، چون نماز عید، نماز دارد نمازش را بگذاریم برای روز بعد اما امروز را اول ماه حساب بکنند و مشکل خاصی ندارد اما خب عرض کردم فتوای اصحاب بر این نیست این راجع به روایت امام صادق عرض شد به این که از امام عسکری هم از امام هادی هم سه تا روایت در باب هلال داریم یکش همین روایتی است که به مناسبتی در باب استصحاب آوردند یقین لایدخله الشک صم للرؤیه که به اصطلاح مکاتبه علی ابن محمد قاسانی کتب الیه فانا بالمدينه اسئله عن اليوم الذی یشک فیه الی آخره که مرحوم شیخ هم در استصحاب آورده و مرحوم آقاضیاء گفته این قاعده یقین در باب روز است مرحوم شیخ، مرحوم آقای خویی می گویند نه این در باب استصحاب است بحث کردند که این استصحاب است یا قاعده یقینی است که در آن جا و ما عرض کردیم هیچ کدام نیست حالا آن بحثش مخصوص خودش.

یک روایت دیگر از امام عسکری است که الآن جایش در ذهن من نیست که حالا اگر بعد بگردم پیدایش کنم متأسفانه صاحب وسائل این ها را یک جا نیاورده یک روایت دیگرش در وسائل خواندیم آن شب، که سؤال می کند کتب الیه به این که در شب سه شنبه ما در بغداد ماه را ندیدیم و يقول الحساب من قبلنا یا قبلنا انه یری هذه اللیله بعینها فی اندلس که خواندیم آن شب این روایت را، امام می فرماید آن رؤیت خودتان، حالا می خواهید آن روایت را بیاورید کلمه باندلس و يقول الحساب، کلمه حساب و قبلنا این را به اصطلاح این روایت مبارکه نشان می دهد که یعنی عمده ای نکته ای که در این روایت هست غیر از جهت صم للرؤیه و افطر للرؤیه از این روایت مبارکه این در می آید که اعتبار به محاسبات نیست عمده نکته این است، یعنی مسأله ای،

س: اثبات نیست یا رؤیت در اندلس نیست

ج: نه محاسبات چون می گوید يقول الحساب

س: بله

ج: حضرت می فرماید آن وقت من عرض کردم در باب هلال بهترین مطلب این است رؤیت یا محاسبات، این تلسکوب که در آوردند این ها اصلاً ارزش ندارد ارزش علمی ندارد، آنی که هست این است الآن اهل سنت نوشتند چاپ کردند،

س: تلسکوب

ج: بله آقا؟

س: تلسکوب ارزش علمی ندارد؟

ج: نه بحث ندارد تلسکوب عمده این است که محاسبات را قبول کنیم یا نکنیم؟ اگر محاسبات را قبول کردیم به اصطلاح خروج قمر از محاق برای کل کره زمین یکی است دیگر اعتبار به رؤیت نیست دیگر محاسبات واضح است عرض کردیم محاسبات امر واضحی دارد،

س: تلسکوب رؤیت است در بحث رؤیت مطرح می کند که آیا رؤیت بشود یا نه؟

ج: ببینید رؤیت را می دانم اینها یک مشکل شان که پیدا شد البته باز آن شب هم از بحث خارج شدیم امشب هم مراد مواظب باشیم از بحث خارج نشویم،

س: من نبودم

ج: چرا بودید

س: بخش هلال خیلی لغزشگاه است

ج: بله بله ببینید این های شبهه ای که برایشان پیدا شده که تلسکوب طریقت دارد شما اگر با تلسکوب مثلاً بلا نسبت یک نامحرمی هم ببینید حرام است مهم نیست، پس با تلسکوب هم ماه را ببینید این طوری است این مطلب یک شبهه ای است که این آقایونی که تلسکوب را در قم مطرح کردند پیش آوردند، چطور دیدن نامحرم با تلسکوب حرام است پس، این توجه نشده که بحث رؤیت در باب ماه این و مسأله خروج از محاق این طریقت صرف ندارد اشتباه کار این است، بله دیدم یک آقای که مثلاً دارد که اذا خرج القمر من المحاق يصلح للرؤية مگر این تصور این غلط باشد، که به مجرد خروج از محاق صلاحیت رؤیت دارد اگر این تصور غلط باشد بله اما این طور نیست این تصادفاً غلط است از محاق که خارج می شود اولاً این ها لحظه حساب را لحظه تساوی را خروج از محاق می گیرند که اصطلاحاً بهش لحظه تساوی می گویند، که در یک خط قرار می گیرند و از خروج از محاق تا خروج تحت الشعاع عادتاً دو ساعت فاصله است باز یک خروج تحت الشعاع دارد بعد از خروج تحت الشعاع باید یک زمانی بگذرد تا آن جرم مستنیر ماه قابل رؤیت بشود، که اصطلاحاً امروز بهش می گویند باید مقدار شصت و شش صدوم یکدرجه رو به زمین بشود و لذا خیلی از ماها که می گویند یک عده می گویند رویت شد مثلاً چهل و چهار درجه، صدوم است بیست و شش صدوق است این ها همه با محاسبات مشخص است این ها احتیاج به تلسکوب ندارد، الآن با محاسبات مشخص است چه مقدار از کره زمین، از کره ماه مقابل مثلاً ایران است مقابل اروپاست، مقابل آمریکاست با محاسبات آن مقدار را مشخص می کنند دقت می کنید، تلسکوب هم که می بیند همان را می بیند یعنی با تلسکوب که می بیند همان چهل و چهار درصد را می بیند چهل و چهار درصد یک درجه را می بینند اما بحث این است آنی که قابلیت رؤیت با صموا للرؤية دارد آن شصت و شش صدوم یک درجه است، شصت و شش صدوم در صد است این مثلاً با محاسبات یک، اصلاً با محاسبات ماه در محاق کامل با تلسکوب می شود ببینند با این تلسکوبهای راه داری آن ور کره زمین هم باشد می شود ببینند، اصلاً چیزی ندارد این، تلسکوب یک عنوانی ندارد که خودش برای خودش باشد این اشتباه شان این شده که خیال کردند تلسکوب یعنی از لحظه ای که از محاق در می آید صلاحیت رؤیت دارد پس ما الآن با تلسکوب دیدیم پس رؤیت شد این ها تصور، یک تصور یک غلط، چاپ کردند یکی از آقایون قم چاپ کرد نمی خواهم اسم ببرم یکی از آقایون قم این را چاپ کرده این تصور کاملاً غلط است یک حرف بیهوده ای است این

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج‌شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۴

جلسه: ۷۳

تصور دقت فرمودید یا تصور این که اگر ما آن آقای که به قول خودش اعتقاد دارد که ما مبدع این نظریه در قم بودیم با تلسکوپ اگر نامحرم ببینیم خب شاید شما هم چاپ کردید این مثلاً صدق می‌کند این مشککش این شده که تلسکوپ ببینید تلسکوپ می‌بیند آن مقداری که، محاسبات می‌گوید الآن رو به کره ایران رو به طرف ایران سی و شش درصد یک درجه رو به ایران است شما با تلسکوپ همان را می‌بینید همان مقدار روشنایی را می‌بینید زیادتر نمی‌بینید، آن‌ها می‌گویند این هست اما این قابل رؤیت نیست باید شصت و شش درصد بشود پس بحث سر این نیست که شما با تلسکوپ چه کار می‌خواهی بکنی؟

س: تلسکوپ‌ها هم حاج آقا دو جور هستند این را هم حالا باز هم

ج: انواع مختلف اند بله

س: نه می‌خواستم یک چیز دیگر را بگویم

س: مقابل آقای

س: نه نه اصلاً رؤیت مستقیم یک چیز است، می‌گیرد بعد دوباره امواج الکترونیکی می‌دهد، مثل مدار بسته مثل دوربین مدار بسته آن باشد امکان دارد بگوید اصلاً نگاه کردنش حرام هم نیست به

ج: بله

س: پراتنز را می‌بندند

ج: نه آن حالا آن بحثی، آن بحث دیگری است

س:

۲۶: ۱۲

ج: نه آن بحث مطرح شده در مثل فرض کنیم در مثل فصول و هدایه المستشرقین این بحث قدیم هم مطرح شده که مثلاً دیدن عکس زن در آب مثلاً مثل همین امواج که شما می‌گویید، این بحثی دارند که آیا الفاظ وضع شدند برای معانی حقیقیه، یا الفاظ شامل می‌شود حتی صور آنها را، آن را بحث دارند آنی که شما می‌فرمایید این بحث سابق هم هدایه المستشرقین دارد، بحث دارد که اصلاً لفظ مثلاً زن شامل آن هم می‌شود یا نه؟ در آب نگاه کردن به آن نیست، آن باید به خودش بشود اینی که شما می‌فرمایید مستقیم، غرض این بحث‌ها همه شده الآن اهل سنت من دیدم استدلالشان این است پیغمبر فرمود انا امه امیه این را ما نداریم سنی‌ها دارند، لانکتب و نحسب فصموا للرؤیه و افطروا للرؤیه می‌گویند از این عبارت چنین معلوم می‌شود که اصل در حقیقت محاسبات است نحسب یعنی محاسبات چون نمی‌توانیم محاسبات بکنیم صموا للرؤیه

س: پس موضوعیت پیدا می‌کند

ج: نه،

س: طریقتش را شما در واقع

ج: نه رؤیت دیگر عنوان پیدا نمی‌کند محاسبات عنوان پیدا می‌کند

س: چون دارد می‌گوید ما نمی‌توانیم حساب بکنیم پس رؤیت پیدا

ج: فلذا پس اگر توانستیم حساب بکنیم یعنی باید حساب بکنیم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنجشنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۵

جلسه: ۷۳

س: و وقتی هم نمی‌کند دیگر این موضوعیت دارد

ج: نه داریم الآن امکان محاسبات هست راست است، عرض کردم به شما من در جایی دیدم پنج هزار سال قبل در چین محاسبات دارند دقیقاً خروج محاق را حساب می‌کند الآن، عرض کردم چندبار عرض کردم تنها کشور بزرگ غیر اسلامی که سال قمری دارد چین است همین الآن هم دارند فقط اولش محرم نیست نمی‌دانم ربیع الثانی است جمادی الاولی است بین ربیعین بین ربیع و جمادی است یا جمادی است یا ربیع؟ اولش محرم نیست چهار ماه حرام را هم ندارد دقت کردید اما این‌ها محاسبات‌شان مال پنج هزار سال قبل است و بعد از این‌ها هم مصری‌ها محاسبات دارند چون در نجوم خیلی وارد بودند خود بابل محاسبات داشته، خود یهودی‌ها محاسبات، محاسبات، پیغمبر می‌گوید ما اهلش نیستیم ما بلد نیستیم محاسبات پس همدینی که در بیابان ماه را که دیدیم در هلال این اول ماه می‌شود مابین رؤیتین را یک ماه بهش می‌گوییم دقت کردید، و لذا گاهی مابین رؤیتین بیست و نه روز می‌شود گاهی سی روز می‌شود در محاسبات یک نواخت این‌ها کم و زیاد که می‌کنند آن طور می‌گویند الی آخر بحث‌هایی که دارند دقت کنید این‌جا

س: نوع سوم ارض الآن چطوری تحقق می‌گیرد این ارضی که می‌فرمودید نوع سوم است

ج: الآن دارم می‌خواهم بگویم،

س: بخوانم روایتش را

ج: می‌خواهم الآن بگویم الآن می‌خواهم

س: جلد چهارم تهذیب صفحه ۱۵۹ و عنه عن محمد ابن عیسی قال

ج: عنه یعنی صفار ظاهراً نیست؟

س: محمد ابن حسن صفار

ج: بله صفار است فکر می‌کنم

س: قبلی همان روایت قاسانی که خواندیم

ج: قاسانی یکی دیگر هم دارد سه تا دارد

س: بله

ج: آن هم صفار است آن هم مکاتبه علی ابن محمد قاسانی هم صفار است، قاسان هم چیز نیست؟

س: کاشان نیست

ج: نه ماوراء النهر است طرف ترکیه ترک نشین، خوارزم

س: کتب الیه ابو عمر اخبرنی یا مولایی

ج: این ابو عمر ناشناس است لذا آمدند اشکال کردند لیکن عرض کردیم کراراً در مکاتبات آن کاتب مهم نیست، آن محمد ابن عیسی عبید است، ایشان اصلاً توقیعات امام هادی را جمع کرده، و صفار از این نقل می‌کند لذا به نظر ما قابل اعتماد است حالا دیگر تفصل بحث‌هایش جای دیگر انشاء الله بفرمایید بناست دیگر خیلی خارج نشویم همین مقدار خارج شدیم بس است، اخبرنی یا مولایی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۶

جلسه: ۷۳

س: اخبرنی یا مولایی

ج: عرض کردم این جا دارد که کتبت الینا ملتفت نشدند الیّ یعنی الی الامام الهادی عمده توقیعات، خود صفار هم توقیعات دارد لیکن به امام عسکری است، در یک شماره در این کتاب شیعه شما جمع کردید یکی از این آقایونی که مقاله نوشته کل توقیعات امام عسکری که صفار به امام عسکری است از مصادر مختلف پیشترش هم در تهذیب است در کافی هم دارد اما در تهذیب بیشتر است فقیه هم دارد فقیه هم مقدار معتنا بهش دارد چون نسخه پیشش بوده نسخه توقیعات به، ایشان هم در این کتاب شیعه در یک شماره ای آقای، زحمت کشیده انصافاً کل اینها را جمع کرده،

۱۶:۳۲

همین است نمی دانم

س: محسن گلی

ج: آقای؟

س: محسن گل امین حسین پوری

س: حسین پوری

س: حسین پوری بله

س: بله مقاله را ایشان آماده کرده

ج: مقاله ای نوشته این چاپ کرده، نمی دانم شماره چند هم هست قشنگ است من تقریباً همه اش را خواندم نگاه کردم توقیعات را جمع کرده و خیلی البته نکات فنی فراوانی دارد که هنوز که گفته نشده اما انصافاً هم مجموعه قشنگی است کافی نسبتاً کمتر دارد صدوق باز نسبت به کافی بیشتر دارد آن وقت این هم جزو توقیعات محمد ابن عیسی است که صفار ازش نقل می کند عرض کردیم کراً از کتب صفار هم در کافی هم در فقیه زیاد نقل نشده بیشترین نقلی که ما الآن اگر مجموعه آثار صفار را جمع بکنند از تهذیب است و افراد تهذیب است، جزو افرادهای ایشان این هم از همان افرادهای تهذیب است اخبرنی یا مولایی،

س: انه ربما اشکل علینا هلال شهر رمضان و لائراه و نری السماء لیس فیها علّه فیفطر الناس و نفطر معهم و یقول قوم من الحساب قبلنا انه یری فی تلك اللیلة بعینها بمصر و

۱۷:۴۱

و الاندلس و هل یجوز یا مولای ما قال الحساب فی هذا الباب یختلف الفرض علی اهل الامصار فیکون صومهم خلاف صومنا و فطرهم خلاف فطرنا

ج: چون ببینید اگر به اصطلاح رؤیت شد به حسب رویت است اما محاسبات شد می گوید آقا رؤیت نکردیم می گوید اشکال ندارد از محاق درآمده اوضاع اصلاً کلاً بهم می خورد دقت کردید بفرمایید،

س: فوق علیه السلام

ج: فوق علیه

س: لاتصومنّ للشک افطر للرؤیته و صوم للرؤیته

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنجشنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۷

جلسه: ۷۳

ج: دقت کنید یعنی به عبارت اخری به مجرد این که حساب می گویند حساب نکنید و الا خب اگر ببینید اگر

س: اگر خود شخص حاسب بود،

ج: نه دیگر حساب

س: اگر علم پیدا می کرد بدون شک

ج: نه صوموا للرؤیته یعنی علم خاصی است علمی است که دیده بشود چشم باشد، با محاسبات نمی شود با محاسبات الآن محاسبات می کند می گوید آقا ماه فلان ساعت از محاق درآمد فرض کنیم در هندوستان بوده

س: آن شک نمی گوید آن با علم می گوید ولی این ها که از حساب می شنوند این ها شک دارند که آیا حساب درست فهمیده یا نه؟

ج: نه نه فرق نمی کند حساب خودش باشد یا نه؟ مراد صم لرؤیته یعنی رؤیت در مقابل محاسبات است این، اگر این جور روایت را معنی بکنیم

س: شک بر می گردد

ج: نه، شک را آورد بعد در مقابل شک رؤیت آورد، این آوردن رؤیت یعنی به عبارت اخری در این جا آنی که وظیفه هست ازاله شک با رؤیت خود ماه است نه با محاسبات ولو با محاسبات هم یقین پیدا بکنید با محاسبات نمی شود، س: این را از کجا می گوید این را از این روایت در نمی آید دیگر

ج: چرا؟ چون می گوید حساب این طور گفتند محاسبات حساب یعنی به عبارت اخری در حقیقت ماه این جوری بود در آن وقت، این جوری بوده که مثلاً در هند از محاق درآمده بغداد که رسیده بوده مثلاً هشت ساعت از عمر ماه بوده در این هشت ساعت قابل رؤیت نیست، به مصر که رسیده چهار ساعت طول کشیده یا اندلس شده دوازده ساعت، دوازده ساعت قابل رؤیت است، دقت کردید امام می فرماید نه ببین می گوید اگر این را حساب بکنیم ما باید حساب را از اول هند از آنجایی که از محاق درآمده حساب بکنیم با محاسبات؟ امام می فرماید نه با محاسبات نمی شود

س: آخر محاسبات شک نیست که امام فرماید لاتصومن للشک

ج: بعد مقابل شک را آورد آخر،

س: رؤیت

ج: رؤیت یعنی یقینی که از رؤیت باشد یقین غیر رؤیت به درد نمی خورد خب احتمال دارد که مثلاً بگوییم نه آقا همین طوری که این آقا، همین طور که الآن به ذهن شماست محاسبات علم آور است، علم از راه محاسبات هم مثل دیدن است اما ظاهر این روایت این است ظاهر این روایت است،

س:

۲۰: ۳۴

حاج آقا این دیگر حساب یک طرف هستند کسانی که از حساب می شنوند امام دارد تکلیف آن کسانی که از حساب می شنوند را دارد می گوید

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۸

جلسه: ۷۳

ج: فرق نمی کند،

س: این برای شما شک است دیگر

ج: برای چه؟ فرق نمی کند نه،

س: حساب علم است دیگر

ج: اما خود حساب الآن نجوم علم است دیگر عرض کردم، پنج هزار سال سابقه دارد شوخی ندارد که، علم است به صورتی، الآن که به صورت علم هم آن طرف تر است دیگر الآن با محاسبات نجومی فعلی چون شما می دانید ماه نزدیک ترین جرم سماوی به کره زمین است یعنی تقریباً سانتی متر سانتی متر ماه را می توانند محاسبه کنند، نه این که این حساب، یعنی قابل رؤیت است،

س: چه جوری می فرمایید می خواست ارض را در دلت که اگر

ج: حالا اجازه بدهید،

س: حالا زمین اگر این جوری باشد که من عرض می کنم

ج: و لذا ببینید شیعه مثلاً آن روایت فان شهد اهل بلد آخر اگر ما به اطلاقش بگیریم که آقای خویی می گوید این معنایش ارجاع به محاسبات است دیگر، اگر گفت اهل بلد آخر اطلاق داشته باشد ارجاعش محاسبات است هر شهری دیده شد کافی است خب این

۳۱: ۲۱

معنایش چه است؟ معنایش این است که به محاسبات برگردد،

س: محاسبات ان شهد، اگر آنها هم باز به حسب ظاهر باز هم مخالف محاسبات است

ج: چون فرض کنید مثلاً من باب مثال الآن گاه گاهی می گویم در برزیل آفریقای جنوبی یا آفریقا که نه جنوب آمریکای جنوبی دیده شد آن دیدن کافی است برای ما، یعنی چه؟ یعنی عبارت اخری از محاسبات دیگر

س: معلوم نیست

ج: چرا دیگر،

س: شاید به گفته آقای خویی چون همه یکی است، ما یک عید بیشتر نداریم، یک اول ماه بیشتر

ج: آن را که ایشان مؤید قرار داد، نه آن که وجه نیست نه آن اگر پس این معنایش این است که به محاسبات باید برگردیم یعنی اصولاً در باب دو راه بیشتر نیست یا یک، محاسبات که برای کل کره زمین است، این که ایشان گفته انصراف دارد به شب باشد این هم دلیلی برایش نیست بگوییم کل کره زمین این کل کره زمین محاسبات عبارت اخری محاسبات است دیگر، رؤیت است که مناطق کره زمین فرق می کند در محاسبات کره زمین و کره ماه را می بیند نه نقطه معین، یک محاسباتی مابین این که این دو کره در یک خط هستند آن در آن خط درآمد از تساوی درآمد دقت کردید اگر بنا شد

س: دومی تقییدی برای محاسبات است دیگر فرقی ندارد یک

۴۶: ۲۲

با حساب و این ها می رسد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۹

جلسه: ۷۳

ج: نه،

س: رؤیت یک منطقه می تواند

ج: نکته خاص این شد اگر معیار به رؤیت شد و فاصله هست بین رؤیت و محاسبات آن وقت، محاسبات طبق محاسبات خارج شده اما رؤیت نشده، این بحث سر این است و لذا عرض کردم رؤیت در باب ماه طریقت صرف ندارد یعنی یک مقداری مگر این که بگوییم در آن زمان در جاهلیت تصورشان این بود از محاق در می آید دیده می شود،

س: نه محاسبات عذر می خواهم در محاسبات می گوید که یری فی مصر،

ج: خب بله

س: یعنی حسابگرهای می آیند آن جا دیدند

ج: درست هم هست

س: قابل رؤیت است

ج: درست هم هست درست هم هست درست است

س: خب بحث ما فقط بحث خروج از محاق بدون قابلیت رؤیت را نمی گیرد

ج: نه یعنی این طبق محاسبات چه جوری گفته محاق؟ این که ببینید شما فاصله بغداد تا مصر و اندلس را ببینید یعنی این معلوم می شود که در هند از محاق درآمده در بغداد هشت ساعت عمرش بوده در اندلس که می رسد چهارده ساعت می شود، بله می گوید چهارده ساعت قابل رؤیت است،

س: قابل رؤیت است

ج: این محاسبات

س: آنهایی که قابل رؤیت است می شود

۴۷: ۲۳

ج: نه، آن وقت امام می فرماید نه به این حرف دیگر

۵۲: ۲۳

داشته باشد، کلمه شک را در مقابل رؤیت به کار، تصادفاً در روایت دیگر هم که از امام هادی است همین طور است حالا به قول شما حدیث قبلی اش را بخوانید، مکاتبه علی ابن محمد قاسانی بخوانید آن یکی را

س: عن محمد ابن الحسن الصفار عن علی ابن محمد القاسانی قال کتب الیه و انا بالمدينه عن الیوم الذی یشک فیہ من شهر رمضان هل یصامی ام لا؟ و کتب علیه السلام الیقین لایدخل فیہ الشک صم للرؤیه و افطر للرؤیه، این الیقین لایدخل فیہ الشک را بعضی ها زدند به استصحاب، آقای خویی هم مثلاً این را در ذهنم این طور است اگر اشتباه نکردم در مصباح آقای خویی ببینید مرحوم آقاضیاء می گوید نه این قاعده یقینی است که در باب روزه است که انسان به یقین روزه بگیرد و به یقین هم افطار بکند، این بگیر و، من ذهنم آمده که هیچ کدام نیست این اثر یک نوع استدلال است، صغری و کبراست اصلاً مراد امام یک نوع استدلال است، امام اول می خواهد بفرماید که یقین یعنی چه؟ یقین، یقین یعنی مالایدخل فیہ الشک، یک اصطلاحی دارند در بعضی از

منطقه‌های امروز به این‌ها می‌گویند قضایایی تکراری، محمول عین موضوع است جایی که محمول عین موضوع است یقین آنی که درش شک نیست این یک کبری، بعد این یعنی یک مقدمه مقدمه دوم پیغمبر فرمود صم للرؤیه و افطر للرؤیه، تو الآن آمدی در فرض می‌گویی عن الیوم الذی یشک فیه خب پیغمبر می‌فرماید للرؤیه پس اعتبار به یقین است آن وقت این یقین را با رؤیت امام یکی گرفته، با این که یقین از غیر راه رؤیت هم پیدا می‌شود اختصاص به رؤیت ندارد که، اول یک کبرا این هیچ کدام نیست نه قاعده یقین در باب روزه است نه مسأله استصحاب، هیچ کدام نیست این اول اصلاً این بحث عقل نظری است نه عقل عملی این اول، یعنی کلمه الیقین یقین آن چیزی است که درش شک نیست، کلاً درش شک نباید باشد آن وقت پیغمبر فرمودند صم للرؤیه پس مراد از حدیث مبارک آن یقینی که مستند به رؤیت باشد آن وقت اگر ما این را قبول کردیم که یقینی به مسند مگر عرض کردم مقدمه‌ای بچنینیم که اصولاً در زمان پیغمبر یا خود نستجربالله پیغمبر این تصور را نداشتند که بین رؤیت و بین خروج از محاق فاصله هست، بگوییم اصلاً خیال می‌کردند، یکی از آقایون معاصر ما هم نوشته که اگر از محاق خارج بشود قابل رؤیت اصلاً نیست، در صورتی که این مطلب باطل است قابل تصور نیست اگر ما قبول کردیم که خروج از محاق یعنی یک مقداری از جرم مستنیر ما رو به ماه می‌شود این خروج از ماه، البته این که جرم مستنیرش واضح بشود دو ساعت یعنی تحت الشعاع است دو ساعت باید بگذرد، آن البته فرق هم می‌کند کم و زیاد دارد حدود دو ساعت دو ساعت که بگذرد این یک مقداری از آن جرم مستنیر ما دیگر قابل رؤیت شما با تلسکوپ آن را می‌توانید ببینید اما رؤیت نمی‌شود در قدیم می‌گفتند حدود عرض کنم دوازده ساعت گاهی هم ده ساعت، حالا که بیشتر روی بیست ساعت و بیست و یک ساعت، من یکبار ماه بیست و یک ساعت از عمرش گذشته بود نگاه کردم نتوانستیم موفق به رؤیتش بشویم گاهی بیست و یک ساعت هم گذشته قابل رؤیت نیست حالا یا به خاطر این که فضاء عوض شده نکاتش عوض شده دقت کردید چه می‌خواهیم عرض کنم من فکر می‌کنم سر این که بین شیعه معروف شد خوب دقت کنید که اعتبار به رؤیت است الآن هم شیعه رو رؤیت حساب می‌کند هنوز به محاسبات تلسکوپ رجوع به محاسبات است اصلاً توجه نکردند، تلسکوپ ماه را در حال محاق هم می‌تواند ببیند در همه حالات می‌تواند ببیند هیچ مشکل ندارد اصلاً محاسبات‌شان نسبت به ماه الآن فوق، از محاسبات گذشته دیگر نمی‌خواهد هندسه فضای و مثلثات و این‌ها، اصلاً با تلسکوپ همه را می‌بینند می‌دانید دیگر این تلسکوپ جدید که رفت دوازده میلیارد سال نوری در فضا جلو رفت، این که گفت از همسایه‌ام این طرف‌تر این که دیگر مثل کوه البرز تهران حساب می‌شود من البته گاه گاهی دیدم مثلاً نوشتند این کوه‌های مثلاً

سلسله

۲۷:۵۵

چه است در فرانسه مثلاً دو سانتی متر در سال مثلاً کوتاه‌تر شده یعنی یک محاسبات بسیار دقیق، آلات رصد بسیار دقیق، فوق این چه که می‌خواهیم ما تصور کنیم دقیق‌تر هستند دارند خب بشر امکانات دارد دقت می‌کنید از این که امام می‌فرماید الیقین لا، یقین آنی است که هیچ نحو شک، خلجانی درش نباشد حالا یک احتمال دارد که شما بگویید علم در آن زمان یقین آور نبود، آن که علم که اصلاً ادعایشان، اصلاً بحث تعارض دین و علم هم از همین جا شروع شد لیکن این روایت می‌خواهد بگوید اعتبار چون می‌گوید یقول الحساب امام نمی‌خواهد بفرماید حساب اگر حساب دقیق علمی دارند چون امام می‌داند با محاسبات می‌شود حساب کرد خیلی راحت است حالا فرض کنید شما به این نتیجه رسیدید که شصت و شش درجه باید رو جرم مستنیر را فرض

کنید بگویند ما هشتاد درصد، نود درصد با محاسبات تمام این‌ها کاملاً نسبت به به اصطلاح مناطق شمالی کره زمین، نسبت به مناطق جنوبی کره زمین، نسبت به خود ماه، چون ماه دیدیم هشت سال دوازده سال، در قسمت شمالی اش دوازده سال، هشت در قسمت چه می‌دانم اخذ محور دارد فلان، در قسمت جنوبی کره زمین است تمام این‌ها را محاسبه کردند حساب کردند حساب‌هایش معین است الآن که از این حرف‌ها گذشته، مع ذلک پیغمبر که فرمود صم للرؤیه این‌ها گفتند مراد از رؤیت مطلق علم نیست، رؤیتی است که به چشم، اگر ما با محاسبات حساب کردیم برای کل کره زمین یکی است هیچ فرق نمی‌کند اگر با رؤیت حساب کردیم قطعاً مناطق کره زمین فرق می‌کند هیچ جای شبهه ندارد مطلب از این که ایشان می‌آید می‌گویند اگر شما آمدیم حرف آنها را قبول کردیم یخ‌تلف‌الامصار دیگر حساب‌ها فرق می‌کند رؤیت نه، هر جا رؤیت شد این نه این مثلاً می‌گویند الآن در بغداد رؤیت نمی‌شود اما خروجی است محاق در هند بوده ماقبل هند، ماه قبل، بعد از هند این ماه جدید است

س: بحث اگر روی رؤیت شهرهای دیگر برای این شهر باشد بازهم بحث را رؤیت می‌داند

ج: نه، بحث روی محاسبات است شهرهای دیگر رؤیتش اگر می‌خواهد بشود باید به این عنوان بحث بشود که آیا رؤیت کافی هست یا نه؟ اما بحث سر این نیست، بحث سر این که وقتی امام خوب دقت کنید تأکید روی رؤیت می‌کند این نکته را دقت کنید، وقتی امام تأکید رو رؤیت می‌کند پس اگر روایتی آمد مثل روایت امام صادق شهد اهل بلد آخر این حکمی را که حضرت هادی فرمودند آن متن را توضیح می‌دهد، بلد آخر یعنی قرب له به حیثی که رؤیت در این شهر مساوی با رؤیت در آن شهر بشود الآن علمای ما ادعای انصراف می‌کنند می‌خواهم نتیجه فرق را فان شهد اهل بلد آخر نزدیکش باشد هم افق باشد که بین دوتا رؤیت الآن این طور معنی می‌کنند آقای خویی هم اخذ به اطلاق می‌کند حرفی را که ما آمدیم طرح کردیم این است که وقتی امام متأخر می‌فرماید اعتبار به رؤیت هست و به محاسبات نیست پس آن روایت را هم معنی می‌کند بلد آخر یعنی نزدیک، نه مطلق چون اگر مطلق بلد شد ارجاعش به محاسبات است نمی‌دانم دقت کردید چه می‌خواهم بگویم؟

س: بله

ج: یعنی ما این را

س: دقیقاً همان نکته‌ای که من نمی‌فهمش است،

ج: حالا روش فکر بکنید، یعنی دقیقاً یعنی ما این‌جا با آن روایت فقط و لذا هم سر این که اصحاب ما در ای «مسأله شک نکردند در محاسبات الا همین مسأله تلسکوب که خب این هم بازهم در محاسباتش شک نیست، شک نکردن و اعتبار را به رؤیت گرفتن سرش این است چون امام هادی در توقیع‌شان دارد، یعنی اگر فرض کردیم روایت امام صادق اجمال داشت، روایتی لیکن این را علمای ما غالباً به لحاظ حکم نگاه می‌کنند که چون امام هادی فرمود قبول می‌کنیم یعنی باید قبول کرد نه این که قبول، اما من می‌خواهم بگویم که این کلام امام هادی آن روایت امام صادق را به لحاظ متن توضیح می‌دهد دیگر دعوی انصراف نمی‌شود کرد، احتیاج به انصراف نداریم اطلاق هم که آقای خویی می‌گویند نمی‌شود آن اطلاقی هم که مرحوم آقای خویی قائل اند چون اگر اطلاق را قبول کردیم که یک‌جا دیده شده برای همه‌جا هست یعنی محاسبات، محاسبات همین را می‌گویند خب، محاسبات چیزی خاص، می‌گویند الآن در جنوب فرض کنیم مثلاً برزیل دیده شد، این معنایش این است که فرض کنید در هند از محاق خارج شده، تا آن‌جا طول کشیده بیست ساعت آن‌جا رؤیت شد،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج‌شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۲

جلسه: ۷۳

س: آخر محاسبات حتی اگر رؤیت هم نشود، حتی در قم فرض کنید محاسبات می‌گوید الآن از محاق خارج شده

ج: بعد همه زمین یکنواخت بشود

س: بله متولد شده اما رؤیت نشده،

س: محاسبات می‌گوید

ج: خب شده اما بعد از بیست ساعت رؤیت می‌شود بعد از بیست که رؤیت می‌شود بعد از پانزده ساعت رؤیت که شد برای

قم هم حجت است

س: بله

ج: پس از اول بگوئیم محاسبات توجه کردید چه شد؟ پس از اول بیاییم بگوئیم خود آقای خویی هم گفتند یک دلیل علمی و برهانی است و یک دلیلش هم روایات اطلاق روایت آن وقت همین‌که خروج ماه از ایشان توجه نکرد خروج ماه حساب بکنیم محاسبات می‌شود، این یعنی محاسبات درست است الآن که خروج از محاق شد در قم رؤیت نشد، قبول اما پانزده ساعت بعد در برزیل رؤیت می‌شود آن وقت اگر گفتید حجت است برای قم هم حجت است دیگر اگر شما محاسبات را گرفتید هر جای زمین، آن وقت این حتی این نتیجه‌اش این است

س: بحث ندارد نگرفتند یعنی روایات اجازه نداد که محاسبات را قبول بکنیم و این جور بخواهیم لازمه‌اش بگیریم چرا دیگر

اگر قبول کردیم،

س: خب اگر رؤیت

ج: اگر قبول کردیم اهل بلد آخر اطلاق دارد مثل آقای خویی

س: فرمایش شما چیزی فراتر از این است می‌فرماید حتی اگر بگوئیم ما در شهر دیگری در شرق و مشرق زمین رؤیت کردند

آیا برای ما که در غرب هستیم کافی است یا نه؟ شما می‌گویید این هم محاسبات است

ج: نه این محاسبات نیست

س: می‌فرمایید رؤیت در جای دیگر یعنی محاسبات

ج: نه این محاسبات، غیر از محاسبات است این قوانین نجومی است یعنی این قوانین جغرافیایی زمین است که اگر مثلاً در شرق در پاکستان رؤیت شد برای ایران هم حجیت دارد چون می‌گوید چون ماه از این ور می‌آید دیگر اگر در پاکستان عمرش بیست و دو ساعت بود که قابل رؤیت است در ایران عمرش بیست و چهار ساعت است به طریق اولی قابل رؤیت است اگر ندیدیم مشکلی پیش آمده این بحث محاسبات سیر قمر نیست این بحث جغرافیایی است و لذا این‌که می‌گویند افق جنوبی باشد شمالی باشد، شهر شمالی باشد، این در حقیقت تلازم مابین البلدین در رؤیت است

س: در آن روایتی که خواندند عذر می‌خواهم در آن روایت دارد که حساب می‌گویند در آن جا یری یعنی قابل رؤیت است و

مردم می‌بینند بعد راوی کاری به این ندارد که بحث محاسباتش می‌گوید این‌ها گفتند که آن‌جا دیده می‌شود آیا برای ما هم کافی است یا نه؟ خب همین دیگر اگر یعنی محاسبات اگر باشد فرق نمی‌کند اگر ما به محاسبات یعنی اینی که محاسبات که می‌کند از چه جایی می‌گوید علم ایقوف که ندارد، می‌گوید آقا این‌که در بغداد دیده نشد، عمرش هشت ساعت است، اینی که در اندلس

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج‌شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۳

جلسه: ۷۳

دیده می‌شود عمرش چهارده ساعت است عمری که، ماه‌هایی که عمرش چهارده ساعت است قابل رؤیت است، تازه باید این ماه هم شمالی باشد و الا اگر ماه جنوبی باشد آن‌جا هم ممکن است دیده نشود،

س: حالا من از

۱۲: ۳۵

با شما یک استفاده‌ای می‌کنم من می‌خواهم بگویم بر عکسش حکومت را درست می‌کند، شما دارید توضیح این را می‌گویید انصراف هم نیستید حکومت درست می‌کنید می‌گویید این روایت دارد آن را توضیح می‌دهد

ج: یعنی این حکم دارد آن متن را توضیح می‌دهد،

س: خب من یک جور دیگر هم می‌شود

ج: متن نه از انصراف اهل بلد آخر آن‌جایی که تلازم مابین بلدین در رؤیت باشد شهر نزدیکی باشد یا تلازم باشد فرض کنید شرقی است نسبت غربی، باز آن هم شرقی غربی باز شمالی جنوبی‌اش هم فرق می‌کند باز شمالی جنوبی خود ما هم فرق می‌کند محاسبات می‌آید تمام این‌ها را حساب می‌کند برایتان می‌گوید می‌گوید آقا امشب در بغداد رؤیت نمی‌شود لیکن ما چون حساب کردیم، کی از محاق درآمده کی چنین به اندلس که رسید قابل رؤیت است درست هم هست

س: ولی این یکی روایت من می‌خواهم بگویم آن روایت گفته حساب دارند می‌گویند یری فی مصر امام می‌گوید نه باید رؤیت را این‌جا می‌گویند شهد بلد آخر تازه یک بلد دیگری دیدند امام باز می‌گوید نه، این دارد آن را توضیح می‌دهد می‌گوید آن‌جا هم بحث رؤیت

ج: نه گفت فان شهد بلد آخر اهل بلد آخر اشکال ندارد درست است ثابت است نه این‌که نه گفت بله ثابت می‌شود

س: اقصه

ج: شهد اهل بلد آخر برای اثبات است نه برای نفی است

س: قبول کنیم،

ج: قبول کنیم، دقت کردید چه شد نکته فنی این اگر این مطلب باشد این هم خیلی برای شواهد اثبات متن، ما چون دنبال که این اهل بلد آخر ما بحث قبلی که به قول ایشان طول هم کشید رو کلمه این‌که تأکید

س: این‌جا هم دقیقاً در متن است

ج: احسنتم در آنجا در متن بردیم که آیا نظر امام رو کلمه اهل است، که از فتوای اهل سنت خواندیم در مقابل بینه، این بحث بود که اهل را گرفتیم یک بحث دیگر این کلمه آخر است بلد آخر

س: بله

ج: دقت کردید آن نحوه بحث مال دیگری بود آن کتب اهل سنت را آوردیم که گفتند اگر بلد دیگری باشد اهلش دیده باشند برای این شهر حجت است، اهلش ندیدند فقط بینه بود فقط برای همان شهر است به این شهر دیگر به درد نمی‌خورد ولو نزدیک مثل قم و تهران، دقت کردید چون این‌ها می‌گویند بینه تعبد است تعبد به مقدار خودش است لوازمش را نمی‌گیرد مثلاً شامل قم نمی‌شود، دقت کردید آن بحث آن دفعه دقت کردید،

س: نه عرضم رسید به این جا

ج: بحث متن را که ما گفتیم آن دفعه داشتیم رو کلمه این که مصب کلام و مصب نظر رو کلمه اهل است یا بلد آخر است آقای خویی رو بلد آخر گرفت ما طبق فتوای اهل سنت که جمع کردیم گفتیم نظر رو کلمه اهل است دومش ذکر نشده و ان کان بالبینه، آن که یک راه، آن یک راه خاص خودش بود، امشب از راه دیگری وارد شدیم دقت کردید،

س: من عرضم را تکرار کنم یک لحظه این وقتی می‌گوید ببلد آخر و امام می‌پذیرد معلوم است پس رؤیت جای دیگر را برای این جا پذیرفته حالا قید نزنیم یک مکان غریب، رؤیت جاهای دیگر برای این جا را پذیرفت، حالا که این را پذیرفت آن روایتی که داشت، حساب می‌گویند آن جا دیده می‌شود چرا آن جا نپذیرفت، چون آن جا حساب‌گرها دارند می‌گویند رؤیت این نیست که

ج: فرق نمی‌کند این جا هم

س: حساب دارد حساب می‌کند

ج: این جا هم همین طور است

س: رؤیتی در کار نیست

ج: نه،

س: اما این جا شاهد هست پس اگر رؤیت باشد

ج: نه می‌دانم نه حالا می‌گوید اگر شما ببینید یک نفری از اندلس بیاید می‌بیند دیگر گفته دیدیم ما، مثل همان،

س: آن دارد

ج: مثل همان قصه‌ای کریب نوشتند دیگر، کریب غلام ابن عباس گفت که آقا ما در شب جمعه در شام دیدیم با معاویه ابن عباس گفت ما ندیدیم شنبه، و اعتبار به شب شنبه است که ما دیدیم، برای این که فاصله‌شان نزدیک است، عرضم این نکته را دقت کنید آن جا هم شهادت است می‌گوید من بودم آن جا مردمش روز جمعه روزه گرفتند شهادت هم دادند، ماه دیده شد شهادت دادند ابن عباس قبول نمی‌کند،

س: این جا روایت معارضه شد دیگر

ج: بله

س: روایت می‌گوید نه، بر آن مکان و این مکان ربطی ندارد

ج: این روایت می‌خواهد چه بگوید؟ این روایت می‌خواهد بگوید که چون پیغمبر یقین خاصی را که مال چشم و رؤیت بوده گفتند، در هر جایی که بله آن روایت می‌گوید گاه گاهی تلازم هست بین به اصطلاح یک بلد با بلد دیگر این تلازم را هم می‌توانند به اصطلاح علمای جغرافیا بگویند هم می‌توانیم ما وجداناً در خارج ثابت بکنیم هر وقت در تهران دیده شده بود در قم دیده شده حالا این دفعه دیده نشد پس این بلد آخر طبق این تصور رو کلمه آخر می‌خواهیم تصرف بکنیم روشن شد ما می‌خواهیم رو کلمه آخر تصرف بکنیم که مراد بلد غریب است تا حالا علمای ما نوشتند خب چاپ شده کراراً که مراد از بلد آخر انصراف دارد به بلد غریب که تلازم هم بین رؤیتین باشد،

س: نه ادعاست این قابل اثباتش مشکل است

ج: آن وقت اشکال آقای خویی این است که نه اطلاق دارد و من عرض کردم چند دفعه در همین بحث‌ها در اصول هم اصلاً من بحث مطلق را بحث نمی‌کنم نه در تعارض بحث کردم نه در خود مطلق چون اثبات اطلاق خیلی مشکل است با این حرف‌هایی که گفته شده در اصول تقریباً اطلاق‌ها از قبیل قضیه حقیقه است از قبیل قضیه خارجیّه است چیزی نمی‌شود اثبات کرد مثلاً این‌جا ایشان می‌گویند اطلاق دارد آن‌ها می‌گویند انصراف دارد اما با این راهی که ما الآن رفتیم بگوییم اگر می‌خواهد اطلاق داشته باشد معنایش قطعاً این است که باید رجوع بشود به محاسبات و این روایت که بیاید امام رؤیت را در مقابل محاسبات قرار بدهد معلوم می‌شود محاسبات قابل یعنی سنت رسول‌الله نبوده نه این‌که مثلاً چون ما عاجز هستیم از محاسبات حالا محاسبات آمد برگردیم به محاسبات نه آنی که سنت رسول‌الله باید به رؤیت بشود اینی که برای همه کمره زمین در همه حالات باید رؤیت اتفاق بیفتد تا این روزه با رؤیت اتفاق، افطار هم با رؤیت اتفاق بیفتد و این رؤیت هم باید قبل از غروب باشد که شب ثابت بشود، الی آخر مباحثی که هست اگر،

س: پس ظاهر آیه قرآن که یسئلونک عن الاهله قل هی مواقیت للناس واقعش احله‌ای که برای مردم قابل رؤیت است، ج: در قرآن، ببینید در قرآن و القمر قدرناه منازل ظاهرش کلمه منازل امر تکوینی باشد رؤیت که شد با امر تکوینی هم جور در نمی‌آید یعنی رؤیت که شد مگر بگوییم اهله که در قرآن آمده مناسب، اهله یعنی هلال است دیگر خود ماه است یعنی کلمه یسئلونک عن الاهله و مواقیت این با رؤیت می‌سازد نه با محاسبات، این با محاسبات اصولاً نمی‌سازد
س: رؤیت نیست اصلاً

ج: اما کلمه و القمر قدرناه منازل حتی عادی این احتمال دارد که با به اصطلاح تکوینش بسازد آنی که واقع قمر است آن سیر تکوینی خودش است که حتی عاد است اما آنی که البته این عاد کالعرجون عرجون به اصطلاح شاخه درخت خرما که خشک شده باشد همان حالا هلال دارد، این ذیلش باز می‌سازد با رؤیت، چون باید ببینند به حالت این، آن وقت باید بگوییم منازل را هم به حسب رؤیت تفسیر بکنیم الآن منازل را در نجوم بر حسب علم نجوم تفسیر می‌کنند منازل ماه را با واقعیتش تفسیر، با محاسبات تفسیر می‌کنند، منازل بیست و هشتگانه‌ای که دارد با محاسبات حساب می‌کنند نه با رؤیت آن وقت شاید بگوییم که این آیه مبارکه جمعش بکنیم یک امر تکوینی دارد یک امر اعتباری که مواقیت است مواقیت رو هلال است، امر تکوینی هم به جای خودش محفوظ است یعنی منافات ندارد که ما امر تکوینی را قبول بکنیم اما آنی را که قرار داده پیغمبر برای صوم و افطار و مواقیت و کارهایی که می‌شود رو رؤیت است آن وقت این روایت، یعنی آن روایت معلوم شد ما الآن فقهای ما به این یعنی این روایت، چون از امام متأخر است آن‌جا هم ببینید گفت یقین لایدخل فیه اولاً تو گفتی عن الیوم الذی یشک فیه تو فرض شک کردی، پس یقین نیست لیکن چون بعد دارد صم للرؤیه یعنی امام می‌خواهد یک صغری و کبری به اصطلاح ما یک یقین این است البته این کبراست یقین این است پیغمبر هم فرمود للرؤیه رؤیه هم یعنی یقین پس یقینی که از رؤیت باشد، این روایت با آن روایت اما این روایت خیلی صریحی در نفی محاسبات نیست آن یکی که یقول الحساب قوم من الحساب قبلنا این صریح است و من فکر می‌کنم این‌که شیعه در تاریخ رفت رو رؤیت و محاسبات را حساب نکرد، حالا حرف‌هایی که اخیراً آمده باشد کنار قبول نکرد سرش این بود یعنی سرش این توقیع امام هادی بود این توقیعی که از امام متأخر آمد و این توقیع را ما می‌خواستیم غیر از این‌که بگوییم حکم را روشن کرد غیر از آن هم آمد آن چیز را روشن کرد، یعنی حدیث را روشن کرد که مراد این است حالا فردا شب

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنجشنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۶

جلسه: ۷۳

س: خواستم بگویم مؤید قرآنی هم شیعه دارد

ج: دارد بله اشکال،

س: احله را می گوید

ج: الان هم اهل سنت عده شان هنوز رؤیت قائل اند نه این که حالا همه شان به محاسبات برگردند، عده ای هم هنوز قائل به رؤیت هستند، عده ای زیادی هم هستند قائل به رؤیت در روایات ما توسط امام هادی دیگر این حصص قصه شد که به محاسبات رجوع نمی شود یقینی که ناشی از رؤیت باشد این سنت رسول الله است این راجع به حکم، بر گشتید به متن، آیا می تواند آن متن مجمل را متنی که آیا مثلاً اطلاق دارد یا نه؟ می تواند روشن بکند به نظر ما می تواند روشن بکند مشکل ندارد این دعوی انصراف را که باز هم اشکال بکنند اطلاق این را می شود قبول کرد به این معنی که بلد آخر نه بلد آخر اطلاق داشته باشد همه بلاد آن مرجعش مرجع نهایی اش بر گشت به محاسبات است و این روایت مرجع به محاسبات را قبول نکرده باید یقینی ناشی از رؤیت باشد پس بنابراین شاید بشود یک مثال دیگر هم که سابقاً عرض کردیم حالا می خواهیم فردا شب اگر حالی بود متعرضش می شویم انشاء الله تعالی آنجا روایت اجمال دارد در باب غسل مس میت، آنجا هم از امام هادی داریم باز دو مرتبه آن هم خیلی عجیب است روایت امام صادق یکش ابهام دارد یکش هم اجمال دارد، روایت امام صادق

س: من اگر گفتم

ج: روایت امام هادی می آید مطلب را روشن می کند یک مثال سوم اگر باز مثالش را باز آن را هم بزنم دو سه شب این دو شب فردا شب انشاء الله تعالی و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

س: مقدمه شما را اگر مخدوش کنند دیگر این متن نمی شود خب یعنی این مقدمه که آقا هر جایی که گفته است، رؤیتی که یک جا را دارد می گوید برای جای دیگر این محاسبات است بگوییم نه فرق است، نه فرق است

ج: نه احتیاج، این که یقینی است در محاسبات حالا اندلس نه برزیل مثلاً قطعاً همین طور است در قم امشب از محاق درآمد آن ور دنیا حالا نمی خواهد شهر مثال، در اقیانوس آرام دیده می شود بالاخره یک سیری، سیر دارد سیری معینی دارد طبق سیرش دیده می شود اگر این بود امام باید مثلاً می گفت که بله آن شهر شب باشد،

س: من الان چندانه سؤال طرح می کنم

ج: الاول

س: این طوری،

ج: الاول،

س: که یک موقع است که می گویم که آقا در یک شهری دارند منجم ها می گویند که ماه متولد شده آیا این برای ما کافی هست یا نه؟ اصلاً برای همان شهر هم کافی است یا نه؟ یا باید ببینند مردم باید ببینند

ج: تولد ماه را کسی نمی بیند

س: ولی یک موقع است تولدی که قابل رؤیت باشد

ج: نیست اصلاً

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنجشنبه: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳ - ۲۰۲۳/۰۹/۱۴

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۷

جلسه: ۷۳

س: بله

ج: نداریم تولد قابل رؤیت

س: تولد

ج: می‌گویم رؤیت در دیدن ماه موضوعیت دارد طریقت صرف نیست

س: حالا اگر سؤالم این جور باشد که آقا بحث رؤیت را دارم سؤال می‌کنم

ج: اینی که در تولد باشد حتماً باید یا تلسکوپ بزنند یا محاسبات راه دیگر ندارد که

س: اگر سؤال از رؤیت باشد حاج آقا به این معنی بگویند آن‌جا دیدند ما ندیدم آن‌جا دیدند برای ما هم کافی است یا نه؟

این‌جا بحث است شما می‌گویید این هم محاسبات است

ج: نه این محاسبات است به این معنی نه محاسبات خروج ماه محاسبات به این معنی که معنای جغرافیای طول و عرض

جغرافیا را حساب می‌کنند آیا اگر در آن‌جا رؤیت ماه بود در آن شرایط آیا همان ماه در جای دیگر هم هست مثلاً شصت و شش

درصد

س: این‌که دیگر تعطیلی کار نداریم اعتبار شده یا نه؟

ج: اعتبار نداریم،

س: آیا همان‌جا دیدند همان یکفی که ما بگوییم آقا ماه رمضان شروع شد برای کره زمین اعتباراً ولو تکویناً شما بگویید که چرا

تولد

ج: آخر این چه نکته‌ای دارد که ما بگوییم

س: نکته‌اش این هست که شما

ج: نکته خاصی ندارد

س: نکته‌اش همین است که دیگر

ج: مثلاً ببینید وقتی که رؤیت می‌شود ماه به شصت و شش درجه می‌رسد از تولدش مثلاً فرض کنیم هجده ساعت گذشته من

باب مثال می‌خواهم عرض بکنم تا رسیده به شصت و شش صدوم درصد یک درجه خب برای محاسبات هیچ فرق نمی‌کند،

شصت و شش، چهل، چهل و پنج، یک شهرهای هم چهل و پنج درجه، س: فرقی ندارد

ج: فرقی ندارد

س: برای راوی دوتا سؤال می‌تواند ایجاد بشود یک: حرف محاسبه‌گرها کافی است یا نه؟

ج: بله خب بلا اشکال این در زمان علم بود دیگر این در سال‌های دویست و چهل و پنجاه است این بعد از انتشار علم است،

امام هادی بعد و لذا هم عرض بحث عرض کردم نکته‌ای،

س: برای راوی این سؤال است که آیا

ج: نکته روشن شد یعنی در وقتی است که دیگر یعنی اصلاً کلمه نجوم را من منجم و این‌ها را در لغت عرب در زمان پیغمبر

در این جادوگرها به کار می‌بردند

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنجشنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۸

جلسه: ۷۳

س: درست است بیشتر

ج: در همان، اصلاً به این معنای علم نبود اما سال دویست و پنجاه دیگر علم است دقت کردید، بحث منجمات و خیالات و اوامهم انگشت‌هایش را بهم زد و یک چیزی در آورد نیست

س: این‌ها نیست نه،

س: آیا می‌خواهد بگوید واقعاً تولد حقیقی یعنی تولد واقعی یعنی

ج: می‌گویم علم آمد به این نتیجه

س: تبیین ظاهری

ج: اصلاً می‌گویم اگر تولد واقعی شد این می‌شود محاسبات اگر تولد کافی نیست باید به درجه لذا این‌جا رؤیت در حقیقت فقط مثل تلسکوپ می‌بینید نکته فنی رؤیت طریقت صرف ندارد رؤیت به این معناست که این مقدار جسم ما مقابل ماست الآن

س: درست است

ج: این رؤیت معنایش این است

س: حالا سؤال این است که آیا آن‌جا مقابلش بوده برای منی که مقابلم نیست کافی است یا نه؟ چرا نکته‌ای ندارد که این

نکته‌اش فقط محاسبات است

س: اعتبار هم

ج: نه اعتبار نیست،

س: شرعی است دیگر

ج: ببینید ببینید امام وقتی مگر همین، عرض کردم مگر بگویید شارع مقدس این مطالب سرش نمی‌شده خیال می‌کرده خروج از ماه هم رؤیت می‌شود می‌گویم یکی از آقایون معاصر نوشته این را یکی از آقایون معاصر اسم نمی‌برم دیگر، نوشته اصلاً که اذا

تولد القمر قابل رؤیت است

س: آن هست

ج: نه یعنی اصلاً چیز نیست

س: بدیهی است اشتباه است

ج: بله دیگر مثلی مرحوم صاحب حدائق دیگر عرض کردم آن دفعه، آقای خویی هم در این بحث مفصلی که نوشتند نوشته و ذهب صاحب الحدائق ایضاً مثل قول ایشان لیکن صاحب حدائق نوشته چون زمین کروی نیست، می‌گوید اگر خورشید طلوع می‌کند برای همه کره زمین، برای همه زمین است، غروب می‌کند برای همه زمین است غروب و طلوع و همه را یکنواخت گرفت، تعجب است از نمی‌دانم آقای خویی نخواندند چه شده نفهمیدم من، این خیلی عجیب است اصلاً خب آن مبنی باطل است خدا رحمت کند این پدر آقای ایروانی حاشیه زده، نوشته کروییت زمین اسمعت من المسائل التي اطفال در مدارس ابتدای هم بلد هستند اطفال هم می‌دانند که زمین کروی است ببینید این نکته فنی این است بگوییم ائمه علیهم السلام این مطالبی را که من عرض می‌کنم بلد نباشید که خب خیلی مسخره است دیگر این که تولد ماه تا شد قابل رؤیت هم هست پس چون محاسبات گفت تولد شد پس

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

پنج‌شنبه: ۲۰۲۳/۰۹/۱۴ - ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۹

جلسه: ۷۳

همه کره زمین بله خب این رؤیت ندارد درش، و الا پیغمبر می‌بردند روی مسأله محاسبات چون پیغمبر صراحتاً فرمودند انا امه امیه لا نکتب و لا نحسب به این معنی چون توانایی نداریم خیلی خوب برویم درس بخوانیم محاسبات یاد بگیریم برویم مصر مثلاً یاد بگیریم برویم ایران یاد بگیریم، برویم، برویم بابل یاد بگیریم مشکل ندارد، لذا خوب دقت کنید در زمان امام صادق یک جور است،

س: حکومت خودش را فحشی هم داده، بی‌سواد و نمی‌داند

ج: به قول آن آقا

س: نحن دارد، نحن امه

ج: امیه یا نا امه این دقت کردید بحث سر این است در زمان امام هادی اصلاً قصه عوض شده شرائط زمان عوض شده بله محاسبات عادی شده مثل علمی که الآن ما داریم،

س: محیط کره زمین را هم درآورده بودند آن وقت دیگر

ج: اصلاً اوضاع عوض شده بود دارد ایشان سؤال می‌کند آیا ما با همین محاسبات، امام در حقیقت اگر خوب دقت کنید این نکات فنی را عرض کردم در حقیقت امام می‌خواهد نفی محاسبات کند، خروج از محاق کافی نیست سنت رسول الله بله آن ظاهر آیه هم همین است مواقیت للناس ظاهرش این است که آنی که جنبه‌ای

س: در دسترس مردم باشد، اهله‌ای در دسترس

ج: بله اهله‌ای که مردم می‌بینند هلال است آن که فرض کنید الآن در هند خارج شده از محاق من هیچی نمی‌بینم اصلاً آن حسابش نمی‌کنند، حالا یک آقایی که شما رساله‌اش را هم چاپ کردید نوشته بود ولو نور ماه در یک‌جایی برای دور به کره زمین برسد این کافی است برای این که مثلاً همه برایش ثابت بشود آخر این صم للرؤیه این است که مثلاً در مدینه بگویند در جنوب برزیل مثلاً ببینند آخر بعدش هم نور ماه که می‌رسد اصلاً این آقا مثلی که توجه ندارد، آن نور ماه چاپ هم فرمودید شما به هر حال نمی‌خواهم بگویند

س: چاپیدن

س: برای

۵۲:۲۰

می‌کردیم او را

ج: بله نه خب مردم حسابی وقتی هشت درجه هم هست نورش به

۵۲:۲۶

می‌رسد از همان بعد از خروج تحت الشعاع نورش به مزین می‌رسد آخر آدم عاقل این حرف را می‌زند چون نورش به زمین رسید این اولین لحظه که نورش را زمینی‌ها دیدند پس این رؤیت صدق می‌کند برای همه مردم، اصلاً حرف نامربوط است عجیب و غریب، اصلاً می‌گویم این‌ها درست است بهترین راه به نظر من همین است این بحث‌هایی که الآن دارم می‌کنم، همه‌اش انحرافی است بهترین راه این است که آیا اعتبار به رؤیت هست پس نقاط زمین فرق می‌کند یا به محاسبات است پس یکی است.

ج: بحث دوم چه ملازمه‌ای هست در رؤیت در یک مکان با رؤیت دیگر این ربطی به محاسبات ماه ندارد، آن باید حساب بکنند ماه جنوب کره زمین است شمال کره زمین است شهرها شمالی هستند نسبت به همدیگر شرق و غرب اند نسبت به همدیگر بعضی جاهایش تلازم و لذا این جدول‌های هم که مال ماه می‌بینید مثلاً مثلی تقریباً دایره نیست حتی از دایره این طور گرد می‌کشد نوشته این مجموعه یعنی حساب و کتاب می‌کنند به این مقدار این مجموعه با دوربین کذا این مجموعه با دوربین کذا این‌ها را می‌آید حساب و مستقیم هم نیست این طور نیست که اگر یکش

۵۳: ۳۴

اصلاً یک حالتی مثل نیم دایره، نیم بیضی اصلاً نیم بیضی دارد که این مطلبی است که علمی است این را هم الآن علم می‌گوید انما الکلام امام می‌خواهد بفرماید درست است این مطلب لیکن چون پیغمبر فرمود صم للرؤیه اعتبار به رؤیت است بله یک چیز دیگر در این جا می‌ماند و آن این که باز یک روایت دیگر داریم که اذا رآه واحد رآه خمسون، و اذا رآه خمسون رآه الف این هم عده‌ای از روایات است و لذا بعضی‌ها هم گفتند رؤیت دو نفر هم کافی نیست

س: بینه کافی نیست بله

ج: باید رؤیت رؤیت عمومی باشد اخباری‌ها هم بعضی‌ها یک کمی بعضی از آقایون مشهد به من گفت من هم عقیده‌ام همین است باید، من یادم می‌آید خدا رحمت کند یک آقای بود اهل معنی بود، مثلاً می‌گفتند در ایران چهار نفر دیدند روزه می‌گرفت افطار نه، قائل به این روایت بود اذا رآه این روایت که می‌گوید یقین لا یدخل فیہ الشک این هم برای نفی آن کافی است یعنی اگر مراد از یقین رؤیتی بود که همه ببینند دیگر این جایی سؤال ندارد دقت می‌کنید، پس دوتا روایت امام هادی دو طائفه از روایات را توضیح می‌دهد یکی آن طائفه‌ای که می‌گوید اذا رآه یعنی اعتبار به دیدن هزار نفر است آن که باید خیلی صحبت شست و شش درصد درجه نیست باید مثلاً یک درجه و نیم باشد تا همه ببینند آن وقت با آن روایت لا اجیز فی الهلال، لا شهادة رجلین عدلین با آن این روایت امام هادی آن را تأیید می‌کند یعنی عمده این است که شما رؤیت بکنید لازم نیست که یک رؤیتی بشود که اصلاً دیگر شک نشود همه مردم ببینند به آن درجه هم لازم نیست، به این درجه هم که حساب گفتند این هم درست نیست نه آن درست است نه این درست، و لذا هم مشهور بین علمای ما مخصوصاً علمای اصول حمل کردند روایت اذا رآه واحد و خمسون بعد جایی که بر بینه شک بشود یا بگویند بینه اشتباه کرده خطا کرده تشخیص درست نداده یا مثلاً به این که نکته‌ای در بینه بوده و الا اگر بینه سالم باشد این رؤیت کافی است رؤیت بینه کافی است نه این که رؤیتی بخواهد که همه ببینند آن هم باز یک درجه، آن هم بحث تلسکوپ نیست آن یک درجه‌ای بالاست از رؤیت آن هم یک درجه بالای رؤیت است یعنی یک مقدار زیادی از جسم ما، جسم مستنیرش باید او به ما باشد تا به هزار نفر برسد و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.